

# درس املاء

نگارش آقای بدیع الزمان

یکی از مشکلاتیکه در دبستانها و دبیرستانها بدان برمیخوریم و پیوسته در آن مناظره و بحث میرود املاء و طرز نوشتن کلمات است که از محیط مدرسه به خارج هم سرایت کرده و بعضی اوقات در میانه فضلا و کسانیکه دوستدار انتساب بفضل و فضلا میباشند هم مورد بحث واقع میشود و آنرا بعضی بدی خط میدانند و بعقیده یکدسته تنها سبب آن بیداشی نویسنده و عدم اطلاع اوست. چندانکه اگر در بسیاری از علوم و فنون مهارت داشته و بفکر توانای خود معضلات فنی را گشوده و حل کرده باشد ولی مثلا تمنا را بایا نویسد میگویند هیچ نمیداند و از هیچ حقیقتی آگاهی ندارد. معلمان و آموزگاران که باطبقه محصلین و دانش آموزان سر و کار دارند بخوبی از این اشکال باخبرند زیرا دامنه اشتباه املائی محدودی وسیع است که بکلمات فارسی مشهور و متداول هم سرایت کرده و غلط نوشته میشود. بگمان بنده یکی از علل عمده اینگونه اشتباهات طرز تدریس املا و عقیده برخی از ما باشد که بندارند هر گاه از نوادر لغت و مفردات غریب که بگوش محصلین نخورده و حتی بیشتر فضلا هم در کتابی نخوانده یا از کسی نشنیده باشند عبارتی چند مراتب ساخته بر محصلین املا کنند خدمتی بزبان فارسی کرده و نویسندگان را از ارتکاب غلط رهایی بخشیده و قوه ادبی محصلین را بیشتر کرده اند. این اشتباه است. زیرا اگر هم یکی از دانش آموزان از روی سختی و تکلف و پلاس حرمت آموزگار که در کیش خرد و آئین عقل و احباب است آنکلمات زاهموار و زنده را فرا گیرد و درست بنویسد چون در گفت و گوی روزانه بدانها نیازمند نمیشود و در کتب فصحا و بزرگان پیشین هم امثال آن لغات را کمتر میبیند همینکه روزگار دانش آموزی او بانجام رسید یا از آن اطاق باطاق دیگر رفت و در خدمت آموزگاران دیگر با کتساب فضیلت پرداخت همه آن نوادر از دیاد وی خواهد رفت و جز وحشت و فقرت از درس املا یادگاری

از ایام گذشته نخواهد داشت. بخاطر دارم چند سال پیش در یکی از خیابانهای شهر میگذشتم یکی از دبستانیان پیش آمد و از بنده پرسید (توقل) بچه معنی است تعجب کردم که این خردسال نوآموز این لغت غیر مانوس اجنبی را که بادیه نشینان نجد و حجاز هم شاید استعمال نکنند از کجا آموخته است پرسیدم این کلمه را کجا خوانده. اید؟ نوشته ای از کیف خود بیرون آورد گرفتم و خواندم عبارتی چند بيمزه دیدم که چون برگ خزان رسیده بی آب و رونق مانده و از دورترین لغت های عربی که سالها پیش ادبا از استعمال آن در نظم و نثر چشم پوشیده اند ترکیب یافته بود و لفظ توقل را بدین طریق آورده بودند «مرد بلند همت که رائد عزیمت در پیش دارد بتوقل قتل معالی نائل آید» و معلوم شد این نوشته یکی از دروس املاست. ارباب نظر و اهل بینش میدانند که آشنائی بتلفظ و املاء اینگونه کلمات برای هیچیک از نوعه‌دان دبستانها و دبیرستانها ضرورت ندارد بلکه مضر است و جز خراشیدن گوش و رنجه کردن زبان در شنیدن و گفتن نتیجه ای نمیدهد و هرگز فضلا و ادباء متخصص - ناچه رسد بدیگران - بامثال اینکلمات حاجتمند نخواهند شد.

وقتی در دبیرستانها معمول شده بود که برای املا قطعاتی از تاریخ معجم و وصاف و نفثة المصدور و نظائر آن انتخاب میکردند و بنده هم یکی از پیروان این طریقه بودم و از خبط و خطاء خود بکلی غفلت داشتم و بخیالم که کاری سودمند میکنم و از چندسال پیش باینطرف ملتفت شدم که این رویه علاوه بر نداشتن نفع ضرر بسیار هم دارد. زیرا این طبقه از نویسندگان ایرانی باقتضاء سبک و روش تکلف آمیزی که از اواسط قرن ششم آغاز شده و بفزونی و بیشی اشعار و امثال و مفردات عربی از نثر قرن پنجم ممتاز میشد اکثر صنایع لفظی و معنوی را ملتزم گردیده بودند و گاهی برای ایجاد صنعتی مانند جناس یا سجع دست بدامن کلمات مهجور و متروک الاستعمال میزدند و میانه لغات فارسی و عربی و غریب و مانوس چندان فرق نمی نهادند و برای نیل مقصود از محفوظات عربی کمک میگرفتند و چون بفصاحت شعراء جاهلیمت و قرنهاى اولین هجرت اعتقاد بیشتر داشتند تا باشعار مجدثین و طبقات متأخر شعراى اسلام اغلب محفوظاتشان از اشعار جاهلیمت و اوائل اسلام بوده و این اشعار بمقتضای

زندگی بدوی یا بسبب تقلید از کویندگان بادیه که تاعهد عباسی معمول بود و بعد از آن هم کم و بیش بیروانی داشت از لغات خشن و ناهموار ترکیب یافته که اگر در آنعهد هم بجهت شیوع استعمال گوشها از تحمل خشونت آن عاجز نبوده لیکن شعراء متذوق دوره بنی العباس بر اثر تربیت ترکیبی و مختلط آن دور که بخصوص از مبادی ایرانی و یونانی بهره‌وفانی گرفته و تمدن وسیع اسلامی را بوجود آورده و ذوق را بیحد لطیف کرده بود بحکم ذوق لطیف خود از اکثر آن مفردات دوری واجب میسرمدند و بیروان طریقه گذشتگانرا انتقاد میکردند.

فضای ما که صنایع را ملتزم شده و فضای معنی و لفظ را برخود تنگ ساخته بودند از تتبع و اطلاع خازق العاده خود در اشعار و خطب و امثال و وسائل جاهلیت و ادوار اسلامی استفاده میکردند و همان الفاظ و اشعار را که دانستن آنها از فضائل بشمار میرفت و پایه دانش و سرمایه شهرت بود برای انجام مقصود و ایجاد صنعت بکار میبردند و چون طبقات دانشمندان کم و بیش در ادبیات عرب دست داشتند از خواندن کتبی که بدان روش نوشته میشد لذت میبردند و اگرچه نفیج آن عام نبود لیکن عده بسیاری خواننده داشت.

مقلدان اینروش تا یکقرن پیش تقریباً وجود داشتند و کم و بیش از مفردات مهجور و اشعار و امثال عربی که در اثبات مطوب با براهین عقلی همدوش میرفت و تنها یک شعر یا مثل ممکن بود هرگونه ادعائی را بمرحله یقین یا نزدیک به یقین رساند اقتباس میکردند و مفرط ترین آنان در استعمال لغت عربی میرزا مهدی خان منشی نادر است که الحق والانصاف در آوردن لغتهای وحشی و غریب دست کاهنان سجع گوی جاهلیت را هم از پشت بسته است، باندک تأمل و دقت معلوم میشود که این نویسندگان در استعمال الفاظ عربی تابع استعمال عمومی آنزمان بوده اند و مقدار احتیاج زبان فارسی را هم منظور نمیداشته اند و تنها نظرشان با آوردن صنایع یا اظهار فضیلت و قدرت خود متوجه بوده و چون در کتب تاریخی که بزبان فارسی مینوشتند انشاء درباری خلفا و خوارزمشاهیان را پیروی مینمودند که در آخرین حد تکلف بود گاهی در تنگنای قافیه گیر میکردند و از روی ناچاری آنچه از الفاظ عربی

یادشان می‌آمد در ثر بکار میبردند چنانکه فضل الله قزوینی در تاریخ معجم و عبد الله بن فضل الله معروف بوصاف در تاریخ تجزیة الامصار و تزحیة الاعصار مشهور بتاریخ وصاف بجهت رعایت ضنائع لغائی آورده اند که هر گز در استعمال پارسی زبانان متداول نبوده و عربان هم در عهدهای اخیر کمتر نوشته و گفته اند و هر که در تاریخ معجم این عبارت «روزرا در تجرع کؤس و اقداح راح برواح رساند و شب را در اعتناق گسل رویان غرئی الوشاح» یا این چند جمله را «در آندشت و غاب و حزون و شعاب از هزار تکاوران و خشخشه سنابک باد پایان و حمحمه حیاد و غمغمه اجناد و قعقه سلاح» بخواند یقین میداند که نویسنده از فرط تکلف درین سنگلاخ جانکاه افتاده و در تاریخی که موضوع آن داستان شهر یاران ایران است و بمناسبت داستان باید بروش استادان پیشین از الفاظ اجنبی چشم پوشید الفاظ عربی که بالهجه لطیف فارسی زبانان بهیچ روی سازگار نیست آورده است.

بنده اکنون نظر خاصی بانتقاد این رویه ندارم و موضوع این مقاله هم انتقاد و نظر در سبک نویسندگان پیشین نیست تنها سخنم اینست که این الفاظ خوب یابد و این سبک بصواب یا ناصواب از میان رفته و حتی ارباب ذوق در همان روزگار این روش را نپسندیده و تقلید نکرده اند و آن کلمات هم در فرهنگ زبان فارسی وارد نشده و هر گاه جزو درس املا قرار دهید مضر است چه اینگونه لغتها قطع نظر از زندقگی و دشواری تلفظ چون در محاوره بکار نمیرود بخاطر هیچیک از دانش جوانان نخواهد ماند و کوشش آموزندگان بیهوده خواهد بود و هر گاه یکی از محصلین سعی کند که هر چه در ایام تحصیل آموخته از یاد نبرد و وقت نوشتن و گفتن آن کلمات را در ضمن الفاظ نرم و خوش آهنگ زبان فارسی بگنجاند گذشته از آنکه شنوندگان چشم تعجب و حیرت دروی خواهند نگریست مشتئی لغات نازیبارا که نقاد روزگار بگوشه ای افکنده و مانند زر ناسره از رواج افکننده رائج خواهد ساخت.

علاوه بر این دیده شده که بسیاری از دانش آموزان دبستانها یا دبیرستانها در نوشتن الفاظ ساده فارسی یا عربی متداول اشتباه میکنند و مثلاً ماست را با صاد و ختم را

با طاء مؤلف و وجهات را با حای حطی و راز را با ضاد نوشته‌اند. برای آنکه درایام تحصیل الفاظ درشت آن اندازه شنیده‌اند که ذهن ساده آنان خراب شده و آتقدر صاد و طا و حا و ضاد را در الفاظ عربی بصورت سین و تا و ها و زا نوشته و نمره بد گرفته‌اند که پندارند هر حرفی را با قید شباهت لهجه باید بهمان صورت نوشت و این بر اثر از دست رفتن و خراب شدن فکر محصلین است.

بنظر من سهاتر و مفیدترین راه برای املا و درست نوشتن آنست که آموزگاران گرانمایه و دبستانگان عظمت ایران و شیفتگان زبان پارسی لغات متداول فارسی و عربی را که مورد احتیاج روزانه هر ایرانی است با رعایت مهم و اهم املا کنند و تا بتوانند از نو ساختن الفاظی که دست فرسود حوادث گردیده و زبان امروزی ما بدان نیازمند نیست خودداری کنند.

یقین است که زبان فارسی با عربی آمیخته و بعضی کلمات عربی چندان با زبان ما ترکیب شده که تفکیک آن دشوار است و در کتب فصحاء ایران هم از آن الفاظ بسیار توان دید و مردم هوشمند این مرز و بوم که زاده آن پدران نامدار بزرگند باید بگفتارشان آشنا و از فکرشان باخبر باشند و از آن گنجینه‌های فکر و ذخائر تجربت که در حجاب الفاظی چند پوشیده و برای اخلاف خود بیادگار گذاشته‌اند بهره ور گردند و بدینجهت از خواندن و دانستن مقداری از لغات عربی ناچارند ولی یاد گرفتن هر لغت عربی که یکی از نویسندگان در نوشته‌ای بسکار برده و پدران صاحب سابقه ما هم آنرا مهجور ساخته‌اند لافل برای همه ایرانیان بخصوص نوآموزان دبستانها و سالهای نخستین دبیرستانها بهیچ روی لازم و مفید نیست و آگاهی از لغات کتبی مانند تاریخ معجم و وصاف باید بادبایا آنکه بخيال تخصص در شعب ادبیات کار میکنند مخصوص باشد تنها با این نظر که این الفاظ جزو زبان فارسی نیست و در ثر فارسی هم نباید استعمال شود.

پس همان بهتر که آموزگاران در درس املاء بهیچیک از کتب پابند نشوند و تا فضلا و یا وزارت جلیله معارف فرهنگي جامع و حاوی لغات عربی که در کتب فصحا مانند سعدی و بیهقی و زبان امروزی متداول است تألیف نکرده و در اقتباس

لغت را بر متکلفان نبسته اند بدستیاری فکر و حافظه آنچه از لغات مورد حاجت است گرد آرند و بالافراد یاد رضمن جمله های مفید بخرد سالان دبستان یادانش اندوزان دبیرستان بیاموزند و طرز نوشتن و املاء آنرا یاد دهند و آنگاه که از عهده املاء لغت های مشهور بر آیند بترتیب لغات بعضی کتب را که در انشاء بکار می آید املا کنند و مقیدم نباشند که هر روز و سال باید تحصیل درس املا در کلاس باشد و اگر فرهنگ جامع لغات متداول عربی تالیف شود مقدار احتیاج ما بدرس املاء همین خواهد گردید و پندارم که بسیاری از ساعات درس زبان فارسی بکارها و مطالب سودمند تر مصروف خواهند شد.

بدیع الزمان

### از مطبوعات خارجه

#### نخستین کنگره محصلین شرقی

نخستین کنگره محصلین شرقی در اواخر دسامبر گذشته در شهر رم پایتخت ایتالیا تشکیل شد. در این کنگره قریب ۷۰۰ نفر از محصلین ده ملت آسیائی (ایران، ژاپون، چین، ترکیه، سیام، عراق، هندوستان، سوریه، حجاز و افغانستان) حضور داشتند.

مسیو موسولینی رئیس الوزرای ایتالیا در کنگره نطقی کرد و مخصوصاً متذکر شد که از تشکیل کنگره در رم بسیار خرسند است و امیدوار است که ایتالیا بتواند چنانکه موقع جغرافیائی آن حکم میکند واسطه نزدیکی و یگانگی اروپا و آسیا گردد. تشکیل این کنگره مصادف با تأسیس مجمع علمی برای شرق نزدیک و اقصی گردید و دوره جلسات کنگره نیز با ایجاد یک مرکز بین المللی برای محصلین شرقی که وسیله نزدیکی و یگانگی ایشان خواهد بود پایان رسید.

#### استفاده از رادیو در تعلیم و تربیت

چنانکه از مطبوعات ایتالیا برمی آید اخیراً در آن مملکت رادیو را در امر تعلیم و تربیت محصلین بکار برده اند. نخستین خطابه را وزیر معارف ایتالیا بوسیله رادیو برای محصلین ایراد کرده و موضوع آن «رابطه مربیان و اطفال» بوده است. فعلاً در ایتالیا هفته ای دو روز بوسیله رادیو برای شاگردان مدارس کنفرانس میدهند.